

Character Analysis of Mirmohanna Vaghaei (South Resistance Icon) from the Perspective of Khorshid Faqih and William Floor

Zahra Rezaei¹

M.A. in Resistance Literature, Shahed University

Ahmad Forouzanfar^{2*}

Associate Professor of the Department of Persian Language and Literature, Shahed University

(Received:09/03/2020 ; Accepted:29/07/2020)

Abstract

*Resistance Literature is a type of literary genre which has played an effective role in expressing and infusing resistance concepts throughout history. Apparently, Resistance Literature is more correlated with the science of history than other literary genres; because we have to study history and its reflection upon the realm of literature for understanding the issues and subject matters of Resistance Literature. Referring to the essence of resistance has permanently been existed in Iranian culture. The south territory has also been subject to invasion in different domains by the foreigners such as the Portuguese, the British, and the Dutch. In the meantime, Mirmohanna Vaghaei is one of the resistance models, who has been undermined due to unreliable analyses made by some Western historians, including the Dutch William Floor in terms of his character as a national fighter; nonetheless, Khorshid Faqih, the author from Boushehr, has resolved all of the ambiguities raised by Floor and other historians utilizing sound historical documents, publishing *Rig Port in fight against Colonialism*. Therefore, in order to resolve the ambiguities regarding Mohanna's character; in the first place, we analyze Mohanna's character from the perspective of both authors employing an analytic-descriptive method, therefore, due to the consequent results, present him as the resistance icon of south territory.*

Keyword: *Khorshid Faqih, Mirmohanna Vaghaei, William Floor, South Movement.*

1 . rezaemosleh@gmail.com

2 . Corresponding Author: dr.forouzanfar@yahoo.com

بررسی شخصیت میرمهنا و غایی (چهره پایداری جنوب) از دیدگاه خورشید فقیه و ویلیام فلور

زهرا رضایی^۱

کارشناسی ارشد ادبیات پایداری، دانشگاه شاهد

احمد فروزانفر^{۲*}

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شاهد

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۰۸)

صفحات: ۶۳-۷۴

چکیده

ادبیات پایداری، گونه‌ای از انواع ادبیات است که در طول تاریخ، نقش مؤثری در بیان و القای مفاهیم مقاومتی ایفا نموده است. واضح است که ادبیات پایداری بیشتر از سایر گونه‌های ادبی با علم تاریخ در ارتباط است؛ زیرا برای فهم مسائل و موضوعات آن، ناگزیر به مطالعه تاریخ و بازتاب آن در بستر ادبیات خواهیم بود. اشاره به جوهره پایداری همواره در فرهنگ ایرانی وجود داشته است. خطه جنوب نیز در عرصه‌های مختلف مورد تهاجم بیگانگان از جمله پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها و هلندی‌ها بوده است. در این میان میرمهنا و غایی یکی از الگوهای پایداری است که با تحلیل‌های غیرقابل استناد توسط برخی مورخان غربی، از جمله ویلیام فلور هلندی، درباره شخصیت او به‌عنوان مبارز مکی، جفا شده است، اما در این میان خورشید فقیه، نویسنده بوشهری با انتشار کتاب «بندر ریگ در مبارزه با استعمار» تمامی ابهامات مطرح شده فلور و دیگر مورخان را، با اسناد تاریخی متقن، رفع نموده است. در این مقاله جهت رفع شبهات پیرامون شخصیت میرمهنا، با روش تحلیلی-توصیفی، شخصیت میرمهنا از منظر هر دو نویسنده بررسی شده است. بنابر نتایج حاصل شده میرمهنا و غایی برخلاف تمامی شبهه‌افکنی‌های غربی‌ها با توجه به ویژگی‌های شخصیتی بسیاری که در حوزه ادبیات پایداری داراست به‌عنوان قهرمانی مبارز که دو جزیره خارک و خارگو را برای همیشه از تصرف هلندی‌ها درآورده، به‌عنوان چهره پایداری خطه جنوب معرفی می‌شود.

کلمات کلیدی: خورشید فقیه، میرمهنا و غایی، ویلیام فلور، نهضت جنوب.

۱. rezaemosleh@gmail.com

۲. * نویسنده مسئول: dr.forouzanfar@yahoo.com

۱- مقدمه

ادبیات پایداری یکی از انواع ادبی از نوع متعهد و سیاسی است که تحت تأثیر شرایطی چون استبداد داخلی یا هجوم خارجی بیگانگان شکل می‌گیرد. در این نوع ادبی، تجربه‌های ملتی مقاوم و مبارز برای به‌دست آوردن آزادی و مقابله با استبداد همچون آزاد کردن وطن، فرهنگ، سنت و دین از بیگانگان با زبان ادبیات به تصویر کشیده می‌شود.

«امروزه با ارتباط همه جانبه‌ای که در دنیا ایجاد شده، ادب ملّی را به درستی نمی‌توان درک کرد، مگر آنکه از آثار برجسته ادب جهانی، کم‌وبیش آگاهی حاصل شده باشد. میان فکر و ادب جهانی، یک شبکه ارتباطی بوده است که آشنایی با آن، چشم ما را به روی ادب خود بازتر می‌کند» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۴: ۲۶۶).

در این راستا در رابطه با قهرمانان ملی نیز، با بررسی آثار جهانی می‌توانیم به تبیین مباحث مطرح شده و تحلیل صحت و سقم آن‌ها پردازیم. پس از بررسی‌هایی در رابطه با شخصیت میرمهنا مشاهده نمودیم، بسیاری از آثار محققان ایرانی درباره وی، با استناد به منابع غربی است و خواسته یا ناخواسته از آثار مورخان غربی تأثیر پذیرفته‌اند.

میرمهنا و غایی از شخصیت‌های پایداری نهضت جنوب محسوب می‌شود که هلندیان را از دو جزیره خارک و خارگو برای همیشه بیرون راند و قهرمان پایداری نهضت جنوب در مبارزه با هلندیان شناخته شد.

در رابطه با این شخصیت پایداری، استدلال‌ها و شبهه‌پراکنی‌های فراوانی در کتاب‌های مورخان غربی ذکر شده که تمامی این ادعاها در کتاب «بندر ریگ در مبارزه با استعمار» اثر خورشید فقیه، با اسناد متقن تاریخی، رد شده است. از این رو برآنیم شخصیت میرمهنا و غایی را به‌عنوان چهره پایداری نهضت جنوب از دیدگاه دو مورخ ایرانی (خورشید فقیه) و هلندی (ویلیام فلور) بررسی کنیم.

۱-۱. هدف، بیان مسأله و سؤال تحقیق

مسأله اصلی ما در این پژوهش بررسی شخصیت میرمهنا و غایی از دیدگاه دو نویسنده ایرانی و هلندی است. به همین منظور برای معرفی وی به‌عنوان چهره پایداری خطه جنوب به بررسی آثار هر دو نویسنده خواهیم پرداخت و با توجه به استدلال‌های مستند نویسنده ایرانی (خورشید فقیه)، برخی نظریات مورخ هلندی (ویلیام فلور) را رد خواهیم کرد. سؤال اصلی ما در این پژوهش، بررسی این نکته است که با توجه به تمامی شبهات مطرح شده، می‌توان میرمهنا و غایی را به‌عنوان قهرمان ملّی خطه جنوب در مبارزه با هلند، معرفی کرد؟

۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

آنچه به شخصیت میرمهنا در تاریخ حماسی کشورمان مربوط می‌شود، تأثیرگذاری انکارناپذیرش بر روند تاریخ تحولات اجتماعی ایران است. مبارزه، قیام و شورش میرمهنا یکی از مهم‌ترین مبارزات حماسی ملت ایران است که بر ساختار کلی جامعه ما، در راستای مبارزه با بیگانگان، نقش اساسی و تعیین‌کننده داشته است. پس از چندین بررسی درباره شخصیت میرمهنا و غایی دریافتیم که برخلاف مستندات تاریخی مبنی بر مبارزات وی در برابر استعمار بیگانگان، ابهامات فراوانی در خصوص وی مطرح شده که شخصیت پایداری وی را قدری کم‌رنگ نموده است، از این رو بر آن شدیم تا شخصیت او

را از دیدگاه دو نویسنده ایرانی و هلندی تحلیل کرده، ابهامات مطرح شده را رفع کنیم.

۳-۱. پیشینه تحقیق

درباره موضوع این مقاله، در ایران و خارج از ایران، اثری با این عنوان یافت نشد، اما در رابطه با شخصیت میرمهنا و غایبی به عنوان مبارز خطه جنوب، کتاب‌ها و مقالات متعددی در داخل و خارج نوشته شده است که بسیاری از آن‌ها غرض‌ورزانه بوده، میرمهنا را به عنوان شخصیتی مبتدل و شقی در برهم‌زدن آرامش ایجاد شده توسط بیگانگان در خلیج فارس معرفی کرده‌اند. در ادامه برخی از کتاب‌ها و مقالات را معرفی می‌کنیم:

یا حسینی (۱۳۷۴)، در کتابی با عنوان «میرمهنا رویاروی انگلیسی‌ها و هلندی‌ها»، ادعاهای غیرمستندی درباره شخصیت میرمهنا ارائه داده است.

پری (۱۳۷۷)، نویسنده انگلیسی است که در کتابی به نام «میرمهنا و شهر دریاها»، ابهاماتی درباره شخصیت میرمهنا مطرح می‌کند.

مقاله «جدال میرمهنا با کریم‌خان و کمپانی‌های خارجی و سیاست دوگانه انگلیس در سرکوبی وی»، از نصیری، کنانی (۱۳۹۴)، در این مقاله بیشتر از منابع فلور، مستشرق هلندی استفاده شده و به تبیین شخصیت میرمهنا پرداخته است.

مقاله «نقش میرمهنا در تحولات امنیتی خلیج فارس (با تأکید بر اخراج هلندی‌ها)» از آرزغ، جدیمهر، گزومه و مرتضایی (۱۳۹۵)، در این مقاله به بررسی مسائلی که موجب چالش میان کریم‌خان زند و میرمهنا و نقش میرمهنا در سرکوبی کمپانی هلندی پرداخته شده است.

۲. جایگاه میرمهنا در آثار مکتوب

درباره تاریخ خطه جنوب افراد مختلفی دست به قلم شده‌اند و حماسه‌هایی که در این بخش از کشور به وقوع پیوسته، به تصویر کشیده‌اند. یکی از این افراد خورشید فقیه است که در ادامه بیشتر با او آشنا می‌شویم.

۲-۱. خورشید فقیه

خورشید فقیه، از محققان و مورخان تاریخ خطه جنوب است و تألیفات و آثار متعددی در این خصوص از وی به چاپ رسیده است. او در رشته علوم اجتماعی تحصیل نموده، اما خود را روزنامه‌نگار معرفی می‌نماید. وی در آثاری که در زمینه تاریخ و موضوعات تاریخی داشته، اصولاً به عنوان یک منتقد به شیوه مستند تحلیل می‌کند و در نقد نگارش‌ها و حتی اسناد تاریخی چنان مهارت دارد که توانسته نظرات غربیان را در مباحث تاریخی به خصوص درباره شخصیت میرمهنا و غایبی به چالش بکشد. این مورخ بوشهری، با انتشار دو اثر ارزشمند تاریخی در رابطه با میرمهنا و غایبی، خدمت شگرفی به تاریخ حماسی ایران نموده است.

کتاب «زوال دولت هلند در خلیج فارس با ظهور میرمهنا بندر ریگی» اولین اثر مستند خورشید فقیه، در سال ۸۳، به چاپ رسیده است. این کتاب که سرشار از استنادات تاریخی در باب شخصیت میرمهنا و غایبی است تحقیقی درباره قیام «میرمهنا بندر ریگی» در نواحی جنوبی ایران در عهد کریم‌خان زند است. او با نگاهی بی‌غرضانه با ذکر منابع تاریخی در

انتهای کتاب، به شرح شخصیت میرمهنا و وقایع تاریخی آن دوره می‌پردازد.

کتاب «بندر ریگ در مبارزه با استعمار»، ویرایش جدید کتاب «زوال دولت هلند در خلیج فارس با ظهور میرمهنا بندر ریگی» است که انتشارات شروع در ۲۷۲ صفحه در سال ۱۳۹۴ منتشر کرده است. خورشید فقیه، در بخش ضمیمه کتاب، نقدها و نظرهای گوناگون درباره شخصیت میرمهنا را که پس از انتشار اول کتابش مطرح شده، به دقت گردآوری نموده، پس از پاسخ، آن را به خوانندگان عرضه کرده است.

تا آنجا که دکتر احمد اقتداری (خلیج فارس پژوه) هم که از منتقدین شخصیت میرمهنا به‌شمار می‌رود چنین می‌گوید:

«فقیه بر این ادعا پافشاری کرده است که میرمهنا بندر ریگی، مبارزی وطن‌پرست و مدافع حقوق ایرانی در خلیج فارس و مخالف مداخلات استعماری انگلیس و هلند و سایر دولت‌های اروپایی، فرانسویان و قبل از آن‌ها پرتغالیان بوده است و اتهام یا ادعای نویسندگانی که او را قاتل پدر و مادر و خواهر خوانده‌اند همان‌گونه که ادعای درستی است همان‌گونه هم قابل توجیه و علت‌یابی است. فقیه ثابت کرده که او دزد دریایی و راهزن سفاک و جبار نبوده است. او استنتاج کرده که میرمهنا مدافع ملیت ایرانی بوده و ناگزیر به اقداماتی شده است که برای مبارزه با دشمنان خود، ضروری دیده است» (اقتداری، ۱۳۷۵: ۱۹).

نویسنده کتاب «بندر ریگ در مبارزه با استعمار»، در مطلبی با عنوان «حق با شماست آقای فلور» با نقل قولی از جلال آل احمد می‌نویسد:

«ملتی که تاریخش را بیگانگان بنویسند همیشه در شناخت خویش سردرگم می‌ماند» (فقیه، ۱۳۹۴: ۲۳۵).

در ادامه پاسخ‌های صریح و روشنی درباره اظهارنظرهای فلور - مستشرق هلندی - آمریکایی ارائه می‌کند. ایشان با «ویلیام فلور» که در سال ۱۳۸۴ به دعوت مسئولین برگزاری کنگره سیراف به بوشهر آمده بود به بحث و مناظره حضوری پرداخته، نظرات فلور را به چالش می‌کشاند که در انتهای اثرش این مناظره را مکتوب نموده است.

۲-۲. ویلیام فلور

ویلیام فلور از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷ در رشته اقتصادهای توسعه و جامعه‌شناسی کشورهای غیرغربی همچنین زبان فارسی، زبان عربی و اسلام‌شناسی در دانشگاه اوترخت (هلند) به تحصیل پرداخت. در سال ۱۹۷۱ از دانشگاه لیدن دانشنامه دکترای خود را دریافت نمود. از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۲ با سمت متخصص انرژی به استخدام بانک جهانی درآمد. در طول این مدت، کتاب‌های متعددی را درباره تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران نوشته است که عبارت‌اند از:

۱- بهداشت عمومی در ایران عصر قاجار؛ ۲- کشاورزی در ایران عصر قاجار؛ ۳- تاریخچه تناثر در ایران؛ ۴- خلیج فارس: تاریخ اقتصادی و سیاسی؛ ۵- شهر بندری از سال ۱۵۰۰ تا ۱۷۳۰؛ ۶- جلد دوم آن؛ خلیج فارس: قیام اعراب خلیج (۱۷۴۷ تا ۱۷۹۲)؛ ۷- عناوین و مواج در ایران عصر صفوی و...

ویلیام فلور تحقیقات فراوانی پیرامون تاریخ ایران، به‌خصوص جنوب داشته است و در این راستا، چندین اثر در رابطه با شخصیت میرمهنا منتشر نموده، با ادعاهای غیرواقع و بدون منبع به تحلیل شخصیت این قهرمان پایداری خطه جنوب پرداخته

است. از جمله آثار او در رابطه با شخصیت میرمهنا عبارت‌اند از:

۱. اختلاف تجاری ایران و هلند، مترجم ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس، سال ۱۳۷۱؛
۲. هلندیان در جزیره خارک و خلیج فارس، مترجم ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس، سال ۱۳۷۱.

۳-۲. میرمهنا

درباره نام میرمهنا تعابیر مختلفی شنیده می‌شود؛ عده‌ای او را میرمهنا دوغابی، زغابی، زهابی و... می‌دانند، اما بنا به اذعان آقای دکتر خلیفه‌زاده (تاریخ‌دان) طبق اسناد تاریخی موجود نام او، میرمهنا و غایبی است. بنا به تمامی مستندات «او شیعه مذهب و فردی معتقد و دارای روحیه جوانمردی» (پری، ۱۳۶۵: ۱۲۷) بوده است. با تحقیقات به عمل آمده، میرناصر و غایبی - پدر میرمهنا - «در واپسین سال‌های حکمرانی نادر شاه افشار بر ایران، در بندر ریگ، رود حله و جزیره خارک حاکم بوده است» (یا حسینی، ۱۳۷۴: ۳۶).

«میرناصر و غایبی حاکم بندر ریگ، از تبار قبیله «بنوسعب» ساکن در عمان بود که پدرش برخلاف عرف معمول، از مذهب تسنن دست کشید و با دوشیزه‌ای ایرانی ازدواج کرد و میرناصر تحت تعالیم مذهب شیعه پرورش یافته بود.» (پری، ۱۳۷۷: ۱۱)

درباره شخصیت میرمهنا نظرات متفاوتی بیان شده است. برخی وی را راهزن و عده‌ای دیگر وی را فردی شجاع و وطن‌پرست معرفی می‌کنند. منابع خارجی مثل فلور و جان پری، به اتفاق نظر، میرمهنا را فردی راهزن و شرور معرفی کرده‌اند که فعالیتش موجب تضعیف اوضاع اقتصادی کشور گردیده است. فلور به سبب داشتن ملیت هلندی، میرمهنا را به جهت اخراج هلندیان از خارک، فردی دزد و راهزن معرفی می‌کند. منابع متقدم مثل رستم التواریخ وی را فردی بی‌باک و آراسته به کمالات معنوی معرفی می‌کند. منابع متأخر و معاصر فقیه و اقتداری از وی به‌عنوان فردی انقلابی که بر ضد سیاست‌های استعماری انگلیس و هلند به پا خاسته نام می‌برند (نصیری و کنانی، ۱۳۹۴).

«پایان کار و مرگ میرمهنا بعد از ۱۵ سال مبارزه که خواب را از چشم بیگانگان ربوده بود، در سن ۳۴ سالگی در نیمه شب ۵ فروردین ۱۱۴۸ هجری شمسی برابر با ۲۴ مارس ۱۷۶۹ میلادی روی داد» (فقیه، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

۳. تحلیل شخصیت میرمهنا از منظر دیدگاه خورشید فقیه و ویلیام فلور

در رابطه با جزئیات و وقایع زمان حکمرانی میرمهنا اطلاعات دقیقی وجود ندارد.

«خوشبختانه این اطلاعات ذی‌قیمت را در اختیار داریم که زمان حکمرانی میرمهنا بر بندر ریگ، زمانه بروز حوادث بسیاری در سرزمین‌های واقع در دو سوی خلیج فارس بوده است که عمدتاً از نتایج حضور اروپائیان، و خود این حضور نیز از نتایج ناگزیر انقلاب صنعتی اروپا و پیدائی، تعمیق و گسترش نظام‌های سرمایه‌داری در این قاره می‌باشد. به همین خاطر درمی‌یابیم که میرمهنا هم به نوعی با حوادث و تحولات بین‌المللی و جهانی گره خورده است و هم در رخدادها و اتفاقات مهم اجتماعی و داخلی جامعه ایران نمود و حضوری تعیین‌کننده داشته است» (فقیه، ۱۳۹۴: ۲).

در این بخش سعی داریم برابر مستندات تاریخی محقق ایرانی شبهات وارده از سوی مورخ هلندی را بررسی نماییم:

۳-۱. اتهامات منتسب به میرمهنا

یکی از بزرگترین اتهامات منتسب به میرمهنا کشتن میرناصر (پدر میرمهنا) است که متأسفانه در منابع مختلف تاریخی از جمله تألیفات ویلیام فلور، بدون اینکه به تبیین ابعاد مختلف این امر بپردازند، این اقدام او را چون لگه ننگی در شخصیت او نمودار ساخته‌اند.

«نحوه قتل میرناصر و زمان بروز اختلاف میان این پدر و پسر، دو نکته دیگر را نیز بر ما آشکار می‌سازد: یکی آنکه نحوه قتل میرناصر بر اساس برنامه‌ریزی و طراحی قبلی بوده است و دوم اینکه حضور و ظهور هلندیان عامل اصلی بروز این واقعه می‌باشد» (فقیه، ۱۳۹۴: ۱۶).

وجود این اختلاف حتی در نوشته‌های فلور نیز به روشنی دیده می‌شود، در مطالبی درباره گشاده‌دستی میرناصر در رابطه با بیگانگان می‌خوانیم:

«به سبب اجرای سیاستی خوب، سیطره کامل بر قوم خود، دوستی و گشاده‌دستی‌اش نسبت به همه بازرگانان و بیگانگان، این شهر دوباره به آبادانی رو نهاد» (فلور، ۱۳۷۱: ۱۷۶).

«میرناصر در زمستان ۱۷۵۴ م، با هلندیان که به دنبال راهی برای نفوذ در جزیره خارک بودند، قراردادی را به تأیید رساند که به هلندیان اجازه می‌داد دژ موسلستاین را در آن جزیره بنا کنند» (فلور، ۱۳۷۱: ۴۸).

«میرناصر شش ماه بعد توسط پسرش میرمهنا در ژوئیه ۱۷۵۴ م / ۱۴ رمضان ۱۱۶۷ ه.ق، از پای درآمد» (همان، ۱۳۷۱: ۴۷).

«برای هلندیان، آن هم در زمانی که تدارک یک حمله انتقام جویانه به بصره را می‌چیدند، شنیدن مرگ میرناصر ضایعه بزرگ و شوک ناگواری بود؛ زیرا علاوه بر از دست دادن طرف اصلی و مورد اعتمادشان در عقد قراردادی که تسلط و حاکمیت آنان را بر جزیره خارک میسر کرده بود، از داشتن یک حامی و همراه قدرتمندی که به وجودش در جنگ با متسلم بصره شدیداً نیازمند بودند نیز محروم گردیدند» (فقیه، ۱۳۹۴: ۱۷).

در رابطه با کشتن میرناصر تفاسیر فراوانی وجود دارد، اما آنچه که در منابع تاریخی ایران موجود است مربوط به تاریخ‌نویسان ایرانی معاصر میرمهنا است.

«متأسفانه به دلیل وابستگی‌شان به دربار زندیه و اینکه او را در جهت مخالف منافع و امیال قدرت فائقه روز می‌دیده‌اند، تحت هیچ عنوانی به خود اجازه و جرأت نزدیک شدن به دایره عدل و انصاف را نداده و کوششی برای کشف حقیقت از لابلای واقعیت‌هایی که آنان فقط مأمور به نوشتن و بیان صورت ظاهری آن‌ها بوده‌اند، از خود بروز نداده‌اند. از جمله این مورخین، یکی ابوالحسن غفاری کاشانی مؤلف تاریخ «گلشن مراد» و دیگری میرزا محمدصادق موسوی نامی اصفهانی کاتب کتاب تاریخ «گیتی‌گشا» هستند که با وجود آنکه خود نیز پرورده و مبتلای همان فرهنگ و تعصباتی بوده‌اند که میرمهنا و دیگران بدان گرفتار آمده بودند، قلم را در زم و نکوهش یک جانبه او به کار برده، با

بهره‌گیری اخلاقی از زشتی عمل پدرکشی در افکار عمومی جامعه، حکم بر محکومیت وی داده‌اند» (همان: ۱۳).

در مناظره‌ای که آقای فلور با آقای فقیه داشتند، دوباره به کشتن پدر و مادر و دیگر اقوام خانواده‌اش اشاره می‌کند، ایشان ضمن تلاش در کمزنگ جلوه دادن انگیزه‌های اصلی قتل میرناصر، سعی می‌کند تا علت نهایی قیام میرمهنا را صرفاً انگیزه تصاحب حکومت ریگ معرفی نماید که به نظر مغرضانه و غیرمستند می‌آید.

عامل دیگری که در منابع مورخان غربی به آن پرداخته نشده، محرک‌های روانی و انگیزه‌های اعتقادی و عاطفی میرمهنا در کشتن پدر و اقوام نزدیکش بوده است؛ در این میان می‌توان به اهدای زن مورد علاقه‌اش توسط پدر میرمهنا به یکی از هلندیان مفسد به منظور کسب امتیازات مالی و جلب رضایت خاطر بیگانگان غیرمسلمان، اشاره نمود که از جمله علل زمینه‌ای قتل میرناصر محسوب می‌شود. در رابطه با کشتن برادرش این طور می‌خوانیم:

«بعد از اینکه میرمهنا برادرش میرحسین را به خاطر صدور مجوز تأسیس تجارتخانه به انگلیسیان کشت، میرعلی برادر ناتنی‌اش را به نزد هلندیان در خارک فرستاد تا دلیل رفتار خشنش با میرحسین را حمایت او از انگلیسیان بداند و برای نشان دادن حسن نیتش، بعد از بازگشت میرعلی، دژ انگلیسیان را به‌طور کامل ویران کرد» (فلور، ۱۳۷۱: ۷۵).

یکی دیگر از اتهاماتی که به میرمهنا نسبت می‌دادند زنده به گور کردن دختران و کشتن اقوام خانواده‌اش می‌باشد؛ «اقدام به غرق کردن خواهرانش و زنده به گور کردن دخترانی که برایش متولد می‌شده‌اند» (یا حسینی، ۱۳۷۴: ۸۶).

«اما البته این روایت نه در میان اهالی جنوب ذکر می‌شود و نه در هیچ منبع تاریخی آورده شده و فقط ظاهراً نقلی است از سید قاسم حسینی آن هم بدون مأخذ.» (فقیه، ۱۳۹۴: ۸۰)

در طول تاریخ حماسی ایران و حتی در امتداد تاریخ تمدن بشر در جهان، به وفور می‌توان پادشاهانی را نام برد که در هنگام به دست گرفتن قدرت و یا در طول حکومت خود، مبادرت به قتل و کشتار پدر، برادر، فرزند و دیگر نزدیکان خود نموده‌اند، اما در رابطه با پادشاهان این گونه اعمال آن‌ها را از اسباب لازمه مملکت‌داری می‌دانسته‌اند، درحالی که این بحث درباره میرمهنا به گونه دیگری است و دقیقاً با همین استدلال‌ها او را مذمت کردند، تا آنجا که بُعد شخصیتی پایداری او را در میان تاریخ مبارزه ایران به کلی از میان برده‌اند.

۳-۲. انگیزه اصلی قیام میرمهنا

آنچه که به اذعان تمامی محققان و مورخان رسیده است:

«میرمهنا پس از سال‌ها مبارزه، در رجب ۱۱۷۹ ه. ق/ ژانویه ۱۷۶۶ م، هلندیان را برای همیشه از جزیره خارک و خلیج فارس اخراج کرد» (فلور، ۱۳۷۱: ۱۳۱).

فلور در کتابش یکی از انگیزه‌های اصلی قیام میرمهنا را مخالفت با پدرش در باج‌دهی به بیگانگان دانسته «با پدرش در دادن پایگاه مستقل به هلندیان در خارک، همداستان نبوده است» (همان: ۱۶۲)، اما باز هم به این ادعای خود نیز اکتفا نمی‌کند و انگیزه او را طمع برای کسب حکومت می‌داند.

در رابطه با انگیزه اصلی قیام میرمهنا و قتل میرناصر مطالب دیگری نیز وجود دارد.

«به نظر می‌رسد آنچه موجب قضاوت‌های یکسویه و یک جانبه مورخین، پیرامون حوادث مرتبط با میرمهنا گردیده این است که به قضایای پیش آمده، به صورت انتزاعی و جدای از پدیده‌های پیرامونی آن پرداخته‌اند. به همین جهت اکثراً نیز دچار تناقض‌گویی‌های غیرعادلانه‌ای گردیده‌اند. به عنوان مثال، مؤلف تاریخ «گلشن مراد» که میرمهنا را به خاطر ارتکاب چنان اعمالی به صفت «سردفتر فتنه و فساد» متصف ساخته و یا نویسندگان «تاریخ گیتی‌گشا» که کارهای او را «از خباثت ذاتی و خیانت جبلی» او می‌دانند، نه تنها هیچ واکنش انسان‌دوستانه‌ای نسبت به قتل عام مردم «لیراوی» به دست سپاهیان کریم‌خان و یا ویرانی «خورمچ» و یا کشتار جمعی مردمان آن توسط لشکریان زندیه، از خود بروز نمی‌دهند، بلکه به تعریف و تمجید از پادشاه زندیه می‌پردازند» (فقیه، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

اما درباره ابهام مطرح شده درباره علت و انگیزه اصلی قیام میرمهنا لکن باید همواره در نظر داشت که شاید یکی از دلایل اولیه قیام میرمهنا، انگیزه شخصی بوده، اما وقتی در هنگامه مبارزه با بیگانه قرار می‌گیرد و با مشکلات و خطرات متعددی مواجه می‌شود، هیچ عقل سلیمی اجازه نمی‌دهد تا به این حد به دلایل شخصی به جان‌فشانی پردازد، به همین دلیل هدف والای دیگری در این زمینه مطرح می‌شود که به واسطه حفظ وطن از دست برد بیگانه حاضر می‌شود تا جان و مال و آرامش و آسایش خود را به خطر بیندازد.

«درباره اینکه آیا مبارزات و درگیری‌های میرمهنا صرفاً بر هدف‌های شخصی متکی بوده و اصولاً پیشبرد مقاصد شخصی چقدر در تداوم قیام او نقش داشته‌اند، یادآوری می‌کنم که قبل از لشکرکشی اخیر کریم‌خان زند به بندر ریگ، او به میرمهنا پیشنهاد صلح داده، درخواست آشتی و آتش بس کرده بود، همان‌گونه که مدیران واک نیز خواستار مصالحه شده بودند، ولی میرمهنا بی‌اعتنا به این پیشنهادها، درست در هنگامی که از همه جانبه زیر فشار بوده است، به اعمال خود ادامه می‌دهد. حال آن که او می‌توانست در سایه امنیت و صلح و سازش با شاه و هلندی‌ها، مجدداً به امارت بر بندر ریگ ادامه داده، با تکیه بر قدرت حکومت بدون رقیب خود و بازده تجارت سرزمینش، از یک زندگانی آرام و توأم با رفاه و آسایش برخوردار گردد» (فقیه، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

شبهه دیگری که مطرح است انگیزه طرفداران میرمهنا در همراهی اوست. فلور معتقد است آنان از ترس جان خود و با انگیزه مادی و فاقد ارزش‌های ملی، به یاری او برخاستند، اما با توجه به دلایل عقلی نمی‌توان استنباط نمود که یاران او تنها به منظور انگیزه مالی به سوی سرنوشتی نامعلوم با میرمهنا همراه می‌شدند؛ زیرا با شیوه راهزنی و کسب درآمد از آن طریق به این هدفشان رسیده بودند.

به همین دلیل هدف مقدسی در یآوری میرمهنا می‌دیده‌اند که حاضر بودند، جان و هستی خود را در این راه فدا نماید و این تقدس آن چنان در شخصیت میرمهنا رسوخ می‌کند که پس از گذشت کمتر از ده سال از مرگ او مردم آثاری نمادین برای گرامی داشت مقام او بنا می‌کنند و برای کسب حاجات خود به او دخیل می‌بندند.

۳-۳. ویژگی‌های شخصیتی میرمهنا

در نبردهای سنگینی که پس از قتل میرناصر میان پسران او در گرفت، سرانجام میرحسین توانست میرمهنا را شکست دهد، اما

ویلم فلور در رابطه با پیروزی میرحسین از میرمهنا اذعان دارد که در شخصیت او بعید به نظر می‌رسد. او برخلاف ویژگی شجاعت و جنگجویی که در بسیاری از اسناد تاریخی دیده می‌شود، میرمهنا را فردی ترسو جلوه می‌نماید.

«بیشتر اهالی ریگ به میرحسین گرویدند. چون میرمهنا و پیروانش فرار را بر قرار ترجیح دادند در ۱۰

اوت ۱۷۵۴ میرحسین حاکم بندر ریگ و مضافات گشت» (فلور، ۱۳۷۱: ۵۱).

در حالی که در جای دیگر به قلم خود او می‌خوانیم، وقتی پادشاه زندیه برای گرفتن خراج، لشکر عظیمی به سوی سواحل جنوبی ایران روانه کرد، میرمهنا با جوانمردی پیش از آنکه مردمان بی‌گناه کشته شوند، خود را تسلیم کریم‌خان زند نمود.

«در این مدت میرمهنا به ساحل رفت و دوباره خود را به کریم‌خان تسلیم کرد و در بازداشت قرار

گرفت» (همان: ۷۹).

دلیل تسلیم شدن میرمهنا به استناد آقای فقیه جوانمردی و فداکاری بود که در سایه شجاعت امکان داشت و این مطلب با ادعای آقای فلور که او را شخصی ترسو جلوه می‌دهد متناقض است.

«خان زند پس از محاصره ریگ هشدار داد چنانچه میرمهنا ظرف سه روز خود را تسلیم ننماید، شهر را

با خاک یکسان خواهد ساخت. از آنجا که چنین اقداماتی مکرراً و در نقاط مختلف ایران از سوی خان

زند صورت گرفته بود، میرمهنا این اخطار را جدی گرفت و به خاطر پیشگیری از یک ضایعه و

تخریب بزرگ و کشتار مردم، به ناگزیر خود را در اختیار کریم‌خان قرار داد» (فقیه، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

این رفتار جوانمردانه به عنوان یک شاخصه قهرمانی درباره میرمهنا به استناد بیشتر آراء محققان و مورخان به اثبات رسیده است.

یکی دیگر از تناقضاتی که پیرامون شخصیت میرمهنا وجود دارد، بحث جوانمردی و مروّت اوست که با اینکه در کتاب‌های مورخان غربی به این ویژگی او اذعان شده، اما باز هم او را فردی شرور و جانی می‌نمایانند. در این راستا به نوشته یکی از منتقدان میرمهنا خواهیم پرداخت.

«میرمهنا با زندانیان خود رفتاری مردانه و انسانی نشان داد و حتی برای دلجویی از آن‌ها، در زندان به

ملاقاتشان رفت. اکنون دشمن روی زمین افتاده بود و او دور از مردانگی و مروّت می‌دانست که بر به

زمین افتاده‌ای ظلم روا دارد. این رفتار او با گزارش مورخانی که وی را مردی عاری از احساسات

انسانی معرفی کرده‌اند، در تناقض آشکار قرار دارد. میرمهنا می‌توانست مثل همه فاتحان همسلک خود،

اسرای هلندی را قتل عام کند، اما از این کار خودداری ورزید؛ زیرا هدف او، آزادسازی خارک بود که

میسرگشته بود. سه روز بعد میرمهنا کلیه اسرای هلندیان را با احترام آزاد کرد، سوار دو فرزند کشتی

نمود و از خارک اخراج کرد. بدین‌سان میرمهنا طی یک جنگ خونین، موفق شد به حضور ده‌ها ساله

هلندی‌ها در خلیج فارس و ایران پایان دهد. از آن پس هلندی‌ها بجز یک مورد بازرگانی در مستقط،

هرگز به خلیج فارس بازنگشتند و عصر آنان در این منطقه به پایان رسید» (یا حسین، ۱۳۷۴: ۱۲۵).

حتی آقای یا حسین با وجودی که در کتابش کاملاً به مطالب آقای فلور استناد می‌کند به این نکته هم اشاره دارد که پس از کشته شدن میرمهنا، مردم برای گرامی داشتن یاد او اقدامات ماندگاری انجام دادند و جای تأمل دارد که چگونه مردم

برای یک آدم کش جانی و شرور حاضر می‌شوند این‌گونه یادواره و مقبره بسازند؟

«هنوز چندسالی از کشته شدن او سپری نشده بود که... مردم برای او در سطح جنوب مقبره‌ها ساختند و شعرها و داستان‌ها سرودند. مردم بوشهر ده‌ها سال بعد درخت سدری به یاد او کاشتند و آن را «کنار مهنا» نامیدند. در باور آنان این درخت معجزه می‌کرد، شفا می‌داد، زنان سترون را بارور می‌ساخت و گره‌های کور زندگی را می‌گشود» (یا حسینی، ۱۳۷۴: ۱۴۵).

۳-۴. راهزنی میرمهنا

شبهه دیگری که درباره شخصیت او مطرح است، راهزنی او از بیگانگان بود.

«هر بیست تا سی روز، یک بار، یکی از کشتی‌های گالیوات میرمهنا به دریا می‌رفت و پس از ۳ تا ۴ روز باز می‌گشت و یک کشتی ترانکی را به دنبال خود می‌کشید... اغلب این ترانکی‌ها پر از کالا بود» (فلور، ۱۳۷۱: ۱۸۳).

«میرمهنا بر سراسر دشتستان به جز بوشهر و خارک سیطره داشت. وی همه روزه بوشهر را آماج تهدید و فشار قرار می‌داد. چنانکه شیخ سعدون بوشهری سخت در هراس بود که مبادا شهر خود را از دست بدهد. میرمهنا همه راه‌هایی که به بوشهر می‌انجامید بسته بود. این امر برای هلندیان نیز دشواری‌هایی پدید آورده بود؛ زیرا آنان ذخیره‌ها و تجهیزات خود را از بوشهر فراهم می‌کردند.» (همان: ۱۰۱)

باتوجه به شرایط منطقه‌ای آن زمان و لزوم درآمدزایی و در عین حال ضربه به دشمنی با ابزار آلات پیشرفته نظامی، به نظر می‌رسد بهترین شیوه کسب درآمد اتخاذ شیوه راهزنی باشد که متأسفانه با استدلال‌های مغرضانه به عنوان ویژگی منفی درباره شخصیت او قلمداد شده است؛ چرا که میرمهنا با این راهکار، در خشکی و دریا، از یک طرف امر صادرات و واردات کالا را که بیشتر از طریق دریا صورت می‌گرفت مختل می‌ساخت و از طرف دیگر، توزیع کالا را که در خشکی انجام می‌گرفت با مشکلات عدیده‌ای برای هلندیان و انگلیسیان مواجه می‌نمود و از این طریق خدمات مالی فراوانی به بیگانگان وارد آورد. در این رابطه آقای فقیه چنین استدلال می‌کند.

«اتخاذ شیوه راهزنی از سوی میرمهنا، ما را به صحت این نظریه مطمئن می‌سازد که هدف او از این کار، پیش و بیش از آن که کسب درآمد و سر و سامان دادن به وضعیت بد اقتصادی‌اش بوده باشد، نوعی مبارزه جویی و از گردونه خارج کردن حریفانی بود که او را دشمن خویش می‌دانسته است، یا به عبارت بهتر، محاصره اقتصادی آن‌ها؛ زیرا اگر تنها مال‌اندوزی منظور نظرش بود، به جای آنکه نیروهای محدودش را هم در خشکی و هم در دریا پراکنده کند، می‌توانست با تجمع آن‌ها در دریا و اعمال کنترل و نظارت بیشتر، به میزان افزون‌تری کسب درآمد نماید، ضمن آنکه از مصونیت بیشتری هم برخوردار بود» (فقیه، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

۴. نتیجه‌گیری

با آنچه در این مقاله در رابطه با ابهامات مطرح شده درباره شخصیت میرمهنا شرح دادیم، دریافته‌ایم که بسیاری از قضاوت‌های منفی بیان شده درباره او توسط برخی مورخان غربی از جمله ویلیام فلور هلندی، ادعاهایی خلاف واقع است

که به نظر می‌رسد با توجه به سابقه مبارزات میرمهنا بر ضد هلندی‌ها و اخراج آنان از ایران، حس ناسیونالیستی وی برای ارائه نظراتی درباره شخصیت بزرگترین دشمن کشورش بسیار تأثیرگذار بوده است.

در پایان این پژوهش، با توجه به بررسی دیدگاه دو مورخ ایرانی (خورشید فقیه) و هلندی (ویلیام فلور)، می‌توان نتیجه گرفت؛ میرمهنا و غایبی برخلاف تمامی شبهه‌افکنی‌های غربی‌ها با توجه به ویژگی‌های شخصیتی بسیاری که در حوزه ادبیات پایداری داراست به‌عنوان قهرمانی مبارز که دو جزیره خارک و خارگو را برای همیشه از تصرف هلندی‌ها درآورده، قابل تجلیل و ستودنی است.

فهرست منابع

۱. آذغ، محمد؛ جدیمهر، مهدیسا؛ گزمه، علیرضا؛ مرتضایی، صالح. (۱۳۹۵). مقاله نقش میرمهنا در تحولات امنیتی خلیج فارس با تأکید بر اخراج هلندی‌ها. بی‌جا.
۲. اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۶). زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه. تهران: نشر آگاه.
۳. اقتداری احمد. (۱۳۷۵). آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۴. پری جان. (۱۳۷۷). میرمهنا و شهر دریاها. ترجمه حسن زنگنه. قم: انتشارات همسایه.
۵. ———. (۱۳۶۵). کریم خان زند. ترجمه علی محمد ساکی. تهران: انتشارات فراز.
۶. سنگری، محمدرضا. (۱۳۹۰). ادبیات دفاع مقدس، چاپ دوم. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۷. عبود، عبده. (۱۹۹۹). «الادب المقارن والاتجاهات النقدیه الحدیثه». کویت. عالم‌الفکر، شماره ۱، جلد ۲۸، صص ۳۰۲-۲۶۵.
۸. فقیه خورشید. (۱۳۹۴). بندر ریگ در مبارزه با استعمار، چاپ دوم. بوشهر: انتشارات شکوه.
۹. فلور ویلیام. (۱۳۷۱). هلندیان در جزیره خارک و خلیج فارس. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات توس.
۱۰. قزلباش، کامیل. (۱۳۸۲). ارزش مطالعات تطبیقی در ادبیات. تهران: نشر مرکز.
۱۱. گویارد، ام، اف. (۱۳۷۴). ادبیات تطبیقی، ترجمه علی‌اکبر خان محمدی. تهران: انتشارات پازنگ.

۱۲. یاحسینی سیدقاسم. (۱۳۷۴). *میرمهنا رویاروی انگلیسی‌ها و هلندی‌ها*. تهران: انتشارات پروین.

۱۳. نصیری محمدرضا؛ کنانی، فرحناز. (۱۳۹۴). مقاله جدال میرمهنا با کریم‌خان و کمپانی‌های خارجی و سیاست دوگانه انگلیس در سرکوبی وی.